**«باسمه‌تعالی»**

خانواده نرم، جلسه بررسی طرح شفافیت آرای نمایندگان مجلس، 990710

بحث میان 15 نفر از حاضران جلسه. رنگ سبز نظر موافقان و رنگ آبی نظر مخالفان را نشان می‌دهد. بحث‌ها و استدلال‌ها به صورت دسته‌بندی موضوعی ارائه شده است.

|  |
| --- |
| اهمیت و جایگاه طرح شفافیت |
| شفافیت از چالشی‌ترین طرح‌ها است. (1) |
| این طرح قابل برگشت نیست. (1) |
| این موضوع بسیار مهمی است. چرا که زاویه و مسیر نماینده‌ها و در ادامه آینده مملکت را تغییر می‌دهد. (1) |
| مردم این طرح را کل شفافیت می‌دانند اگر زمین بخورد و موفق نشود ضربه بدی به نگرش مردم و بحث شفافیت وارد خواهد شد. (1) |
| بحث شفافیت آرا چیز تازه‌ای نیست. در جاهای دیگر دنیا نیز وجود دارد و چیز خفنی هم نیست. (2) |
| واقعاً این طرح غوغا نمی‌کند، نمی‌ترکاند. حتی اگر آقای رائفی پور و پناهیان نبودند این طرح این همه فراگیر نمی‌شد. (2) |
| ما از شفافیت آرا یک شیر درنده ساخته‌ایم حال آن که گربه است. (2) |
| پارادایم اصلی این است که همه چیز مخفی است مگر این که برخلافش اثبات شود ما برعکس می‌گوییم، پارادایم بر شفافیت است مگر این که خلافش ثابت شود. (4) |
| ماهیت طرح شفافیت آراء خیلی اهمیت دارد. (6) |
| نمی‌توان مطلق موافق یا مخالف بود. (6) |
| فرض کنیم اصل بر شفافیت باشد و بعد نماینده‌ها نظرشان بر محرمانه باشد و محرمانه باشد آن وقت رأی‌ها محرمانه می‌شود. چه کسی گفته است که شفافیت مطلق است؟ وجود ندارد. خود ما حامی مستثنا شفافیت هستیم. (6) |
| این فرض شما که نماینده‌ها می‌توانند در صورت تمایل رأی مخفی داشته باشند تا حدی می‌تواند دغدغه ما را حل کند و در عین حال طرح را اخته می‌کند. شفافیت آراء باید مشخص شود که در این موارد خاص نمی‌تواند شفاف باشد. (7) |
| من خودم تردید دارم که این طرح نه خیلی مفید و نه خیلی مضر. سریع و به راحتی می‌تواند اخته شود. (7) |
| شفافیت آرا مثل پل است. تا این شفافیت آرا نباشد شاید نشود بقیه برنامه‌ها را اجرایی کرد. (14) |
| شما استدلال می‌کنید 15 نفری که به شفافیت مخالفت می‌کند بعد از این که 51 درصد به شفاف رأی مثبت دادند آبرویشان می‌رود. (1) |
| نوع شفافیت هم مهم است. طیف دارد از کلاً غیر شفاف در کشورهای پیشرفته تا شفاف. و این که این طرح مجلس سر انتهای طیف شفافیت است. (1) |
| برخلاف نظر دیگران که معتقد هستند این گربه است، به نظر من این شیر است. خیلی هم شیر است. چون دینامیک رأی دادن را تغییر می‌دهد. پس تبدیل می‌شود به مجلس ورژن جدید. وقتی بحث‌های خیلی بدوی‌تر و پایه‌ای‌تری داریم که اینجا معنا نمی‌گیرد. بدیهی بودن شفافیت و لزوم آن را درک نمی‌کنم. (1) |
| باید با فساد مبارزه کرد. یک بخش آن شفافیت است. ما گفتیم که اگر شفافیت ایجاد کنیم می‌دانیم مبارزه با فساد می‌کند. (2) |
| ما طراحی کردیم که در این میان شفافیت آرا نقشی کلیدی داشت. بخشی از ذی‌نفعان ما هستیم و این همه قدرت که بحث را مطرح کرده‌ایم. (2) |
| آقای ایزدخواه بحث ساده‌ای را شفاف کرده بود و باعث شد که کنار گذاشته شود. بعضی چیزها وقتش نیست. برای بعضی چیزها باید صبر کرد. (15) |
| این طرح آسیب‌هایی دارد، منافعی هم. این حرف شخص من است. این فرمول برای ما زود بود ما باید شفافیت را به یک جاهایی می‌رساندیم. آن زمان مثل یک چیز مقدسی شکل گرفت. باید به گونه‌ای آن را ارائه کنیم که کسی با آن مخالفت نکند. (15) |
| روی این هم کار علمی کنیم «مجلس». چون مثل حرکت در زمین مین است. برای گام اول بیاییم بگوییم یک نماینده آرای خود را بگوید، اسپانسرهای خود را بگوید، بیشتر از این فعلاً نیازی نیست. (15) |
| قبل از شفافیت می‌توان نقش مردم در حاکمیت را مطرح کرد. (12) |
| سطح درگیری مردم |
| چه میزان باید مردم را تصمیم‌گیری دخیل کنیم؟ (1) |
| در قضیه بنزین ما به هزینه اجتماعی توجه نکردیم. اصل مسئله شفافیت برای اقناع مردم است. ما باید در این رابطه از طریق رسانه‌ها و اینفلوانسرها اثر بگذاریم. ما باید مردم را دخیل کرده و جامعه مدنی را رشد دهیم. (2) |
| باید استدلال درست بیاورید. این طور نیست که ما چیزی پنهان کنیم. پنهان نمی‌کنیم ولی دروغ نمی‌گوییم. این که نشد دلیل، سیره و روایت و سابقه و ... این شکلی بوده است که درست نیست. این دلیل نمی‌شود که این‌گونه به جمله شهید بهشتی رحمت‌الله علیه استناد کنید. ایشان شاید منظور دیگری داشته یا حتی درست نگفته باشد. (3) |
| جمهوری یعنی احساس مشارکت در حاکمیت. من یک چیز می‌دانم درست است حق ندارم اجرا نکنم مگر این که بتوانم مردم را همراه کنم. اگر مردم حس مشارکت را نداشته باشند الزامی برای مشارکت ندارند. (4) |
| حکومت پهلوی از نظر اقتصادی تأمین نکرد و پایین کشیده شد. ما نمی‌خواهیم جمهوری اسلامی این طوری بشود و کارایی‌اش کم شود. روح مسائل نباید مغایر با قانون اساسی باشد. (4) |
| این که علت پیروزی انقلاب مشکل اقتصادی بود درست نیست. (13) |
| سال 89 بنزین گران شد اما چون مردم در جریان قرار گرفتند تنها دو پمپ‌بنزین آتش گرفت اما تصمیم ناگهانی دولت بدون در جریان قرار دادن مردم در سال 98 هزینه زیادی را به جامعه تحمیل کرد. (4) |
| کاری که برای بنزین انجام شد دوره احمدی‌نژاد توضیح داده شد این دور روحانی توضیح نداد و ربطی به شفافیت ندارد. (5) |
| ما چطور می‌خواهیم ظهور مردم در حاکمیت را داشته باشیم؟ درگیر کردن اراده مردم دو طرف طیف است. (7) |
| در ذهنم نقش مردم در حاکمیت مطرح شده است. به نظر من اسلام با جفتشان موافق نیست. یک رابطه چوپان و گوسفند است. این دیکتاتوری است. یک ادبیات این است که مردم سرور هستند و حکومت نوکر این هم درست نیست. درست این است که ولی نظر خود را اعلام کند مردم قبول کنند یا نمی‌کنند. مشورت خارج از بحث است. بحث دیگر این است که اگر نظر مردم را می‌خواهید بپرسید از ریز جزئیات نپرسید. اگر شفافیت آرا اتفاق بیافتد انگار که از آن‌ها رفراندوم می‌گیریم. در مورد تأسیس فرودگاه همه مردم رأیشان بی‌فایده است غیر از نماینده آن شهر. (8) |
| طرح‌ها در نظر من این دسته‌بندی را دارد. 1) طرح‌های مهم برای عموم جامعه، 2) طرح‌های غیر مهم در مورد عموم جامعه. قانون کشتی‌رانی یک نمونه است که برای مردم مهم نیست. این‌ها در واقع طرح‌هایی هستند که قابل خرید و فروش‌اند. (10) |
|  80، 90 درصد طرح‌ها مهم نیست برای مردم. بعد از مدتی نماینده‌ها نسبت به این بی توجه می‌شوند. (10) |
| مردم باید در حکمرانی وارد شوند و نقش بازی کنند چون مسئله رشد و فهم مردم نسبت به حکومت داری متفاوت است. (11) |
| امام رحمت‌الله علیه، بنی‌صدر را کنار زد که مردم به رشد و فهم و درک برسند. یا برجام هم همین طور است. اگر از زاویه رشد نگاه کنیم می‌توان کارکردهای مختلف را در نظر بگیریم. فهم مردم را بنا بر نظر حضرت آقا قبول دارم. (11) |
| حضرت آقا در مورد مطرح نشدن بحث‌های تخصصی در تلویزیون صحبت کرده‌اند. (12) |
| سیره امام و آقا همراه کردن مردم بود و مثال در مورد برجام را قبول دارم اما می‌گویم محل استفاده این کجا است؟ این در مورد یک مسئله و نتیجه قابل طرح است. برای مثال در موضوع بنزین حضرت آقا حمایت می‌کند. (1) |
| من رشد مردم را قبول می‌کنم این مشروط بر این است که مردم و حقوق آن‌ها را قبول کنیم. (2) |
| سال 89 معلوم شد چه کسی موافق و چه کسی مخالف بود با گران شدن بنزین. نظر آقای احمدی‌نژاد مشخص بود ولی سال 98 نظر آقای رئیسی مشخص نبود. (4) |
| شفافیت آرای نماینده‌ها تأثیری در نظر مردم ندارد. (5) |
| لزوماً قرار هم نیست که حکومت با خواست مردم باشد. تشکیل حکومت با خواست مردم است ولی ماندگاری آن دیگر گیر نظم مردم نیست. (5) |
| اگر همه ملت یک قدم بروند جلو بهتر از آن است که نخبه‌ها هزار قدم بروند و مردم ایستاده باشند. مردم همکاری نکنند حکومتی مثل ما کار زیادی نمی‌تواند بکند. می‌گویند نفری یک دبه روغن نباتی می‌خواهید یا زدن سد بختیاری؟ خب مردم این دبه روغن را انتخاب می‌کنند. نتیجه‌اش می‌شود سیل. پس همه چیز را نباید به مردم بگوییم. بچه باید یک چیزهایی بداند اما پدر و مادر همه چیزها را، همه مشکل‌ها را باید بگویند؟ نه. پدر و مادر نیت بد ندارند اما سوء مدیریت هست. مسائل انسانی ته ندارد و حل نمی‌شود. (15) |
| چالش عوام‌گرا شدن نماینده‌ها به خاطر این طرح |
| شفافیت آرا باعث عوام‌گرایی می‌شود. نماینده طوری رأی می‌دهد که مردم خوششان بیاید. (1) |
| این طرح پاسخگویی نماینده‌ها را افزایش می‌دهد. نقد این که شفافیت آرا باعث عوام‌گرایی می‌شود. (1) |
| به نظرم در این رابطه نمی‌توانیم اظهار نظر کنیم. تجربه جهان در این رابطه بسیار متفاوت است و ما نمی‌توانیم نظر دهیم. جهان با این کار درگیر عوام‌گرایی نشده است. (2) |
| رفقا ادله خود را نمی‌آورند. ما طرح‌هایی داریم که باعث آسیب ذی‌نفعان شده است. شما دلیل خوبی نمی‌آورید. (3) |
| در مجلس صحن بحث عادی بوده است، دوربین که آمد عوض شد. (5) |
| مردم در جاهای مختلف حکومت دارند انتخاب می‌کنند. مردم باید قانون‌گذار انتخاب کنند نه چیز دیگر. در واقع مردم بر مبنای شعار رأی می‌دهند. بهتر است این کار بر مبنای عملکرد انجام شود. وقتی ندانید که عملکرد نماینده چیست، انتخاب سخت می‌شود. این عوام‌گرایی در کوتاه مدت آسیب دارد و در نهایت در بلند مدت منجر به رشد می‌شود. (9) |
| تاریخچه مجلس فعلی را بررسی کنیم. در مجلس فعلی هم خیلی حرکت‌های پوپولیستی و مردم گرایی هست هرچند شفافیت آرا نیست. (11) |
| این که می‌گویند در کوتاه مدت ضرر داشته و در بلند مدت حل می‌شود من موافق نیستم. اتفاقاً در بلند مدت آدم‌های شوتر و سطحی‌تر و سیاسی‌تر وارد می‌شوند و این که تا کجا می‌توان از نظر مردم استفاده کرد. بحث‌های تخصصی را نمی‌توان به بحث گذاشت. (1) |
| شفافیت آرا فردا مسئله بنزین را به چیپس و پفک می‌کشاند. خلق پول منجر به تورم می‌شود. وام زیاد در بلند مدت به تورم منجر می‌شود. وام مسکن هم همین طور است. همه چیز شفاف است و همه تأیید می‌کنند غافل از این که تورم بلند مدت همه چیز را خراب می‌کند. (1) |
| آدم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند بدون این که به نفع یا ضررشان باشد. نماینده‌ها با آمدن دوربین نظرشان عوض شد، این به خاطر نبود دوربین در زمان‌های دیگر است. اگر همیشه باشد تغییر رفتار نداریم. (4) |
| نماینده‌ها واقعاً آدم‌های ضعیفی هستند، این طور نیست که نماینده‌ها اهل جنگیدن و پایداری باشند. (5) |
| نماینده در سطح درک مردم حرف می‌زند نه در سطح نخبگان. (15) |
| نفوذ بیشتر ذی‌نفعان خاص بر نماینده‌ها به خاطر این طرح |
| مجلس تحت اراده اصحاب قدرت و سیاست قرار می‌گیرد. (1) |
| الآن دو نماینده در سایت خود آرای خود را منتشر می‌کنند و اتفاقی نیافتاده است. (2) |
| شفافیت زمینه اعمال فشار و خرید رأی را فراهم می‌کند. خصوصاً نماینده‌های شهرهای کوچک که بسیار تحت تأثیر دولت هستند. اگر شفافیت باشد نماینده‌ها مجبور می‌شوند حتی مقابل BBC هم پاسخگو باشند. هزینه اتخاذ این تصمیم‌ها درباره تک تک افراد مجلس افزایش می‌یابد. باید اثبات کنیم که این تغییر ما را از وضعیت فعلی به وضعیت بهتر می‌برد. این باید بیاید. (3) |
| هفتاد درصد نماینده‌ها هر دوره عوض می‌شود و نگران نشوید. (4) |
| بیشتر مصوبه‌ها تخصصی هستند و نه مردم که ذی‌نفعان خاص به آن دقت می‌کنند. این، باب فشار گروه خاصی بر نماینده‌های مجلس به صورت پنهان را باز می‌کند. طرح شفافیت بنابر این برای یک موضوعات خاص کاربرد دارد. (1) |
| اصل بر شفافیت است. نماینده‌ها اگر بخواهند می‌توانند با رأی پنهان 15 نفر رأی گیری را به طور کلی پنهان کنند. (2) |
| یکی دو نماینده می‌گویند بعد از انتشار داوطلبانه آرای خود هیچ فشاری نبوده این اتفاق بدتر است. یعنی ذی‌نفعان استفاده‌کننده نه مردم. (5) |
|  هر کسی به یک دلیلی رأی می‌دهد برای خودش، استدلالی دارد. اصلاً از این خروجی نمی‌توان استفاده کرد مگر برای خرید رأی‌ها. (5) |
| پول تبلیغات نماینده دهنده‌ها بسیار نفوذ دارند و در تصمیم‌ها بسیار اثر گذار هستند. (5) |
| طرح‌ها در نظر من این دسته‌بندی را دارد. 1) طرح‌های مهم برای عموم جامعه، 2) طرح‌های غیر مهم در مورد عموم جامعه. قانون کشتی‌رانی یک نمونه است که برای مردم مهم نیست. این‌ها در واقع طرح‌هایی هستند که قابل خرید و فروش‌اند. (10) |
| ذی‌نفع‌ها زورشان سر مسائل تخصصی بیشتر می‌شود. مردم هجوم نمی‌آورند بلکه ذی‌نفع‌ها هجوم می‌آورند. (1) |
| رفراندوم بیشتر ابزاری سیاسی است. از ده نفر، سه نفر مخالف می‌شود. از این بین یک نفر مخالفت می‌کند که رسانه‌ها له می‌کنند آن‌ها را. رسانه‌ها دست اصحاب قدرت و ثروت است نه مردم. صداوسیما، سلبریتی، فارسی، بی بی سی و ... صاحب دارد. (5) |
| شفافیت ابزاری برای بالا بردن کیفیت مجلس و نماینده‌ها |
| مجلس در مسیر شفاف شدن بسیار عقب‌تر از این حرف‌ها است. بهتر است ابتدا زمینه‌های دیگر شفافیت را تقویت کرد بعد به این مسئله به این مهمی پرداخت. (1) |
| هیچ اطلاعاتی در مورد مجلس وجود ندارد، ثبت، بررسی و تحلیل داده حداقل‌های تصمیم‌گیری است. برای بررسی و ارزیابی مجلس به شفافیت آرا نیاز است. این مقدمه‌ای برای دستیابی به شفافیت است. (2) |
| مجلس از دو قوه دیگر ضعیف‌تر و غیر تخصصی‌تر است. (2) |
| در مجلس دوره به دوره وضعیت بدتر از دوره قبل است. این آسیب‌های مجلس اصلاً در دوره‌های اول و دوم و سوم مطرح نبود. سطح نماینده‌ها افت کرده است. (4) |
| سطح مجلس‌ها کاهش پیداکرده را باید شفاف‌تر و واضح‌تر بگویید. (13) |
| شعور نماینده‌ها کم شده است که لزوماً نباید از این راه آن‌ها را اصلاح کنیم. (13) |
| یکی از چیزهایی که در این طرح نیست منافع افراد است. درآمد و دارایی و ... نماینده‌ها اصلاً مطرح نیست. (5) |
| استقلال نماینده‌ها کامل از بین می‌رود. (5) |
| این بحث شفافیت بستری برای پاسخ‌گو کردن مجلس است. شفافیت بستر ایجاد پاسخگویی است. (14) |
| شفافیت آرا موجب دشوار شدن اصلاحات حتی می‌شود. (1) |
| نماینده‌هایی که طرح‌هایی می‌آورند که مورد توافق صحن قرار نمی‌گیرند بایکوت می‌شوند. مثل همین جریان دنا که علناً توسط دیگران کنار گذاشته شده‌اند. این دینامیک اتفاقاً سمت عدم اصلاح می‌شود. (1) |
| عدم شفافیت بین قوا قابل بحث است. استاندار چهار محال و بختیاری استاندار بود بسیار قدرتمند بود حالا که نماینده شده است، جایگاهش پایین آمده است. (1) |
| اصل این است که نماینده بد است یا خوب، جاهل است یا عاقل. از نظر من باید مبنا را بر جهل و خرابی مردم بگذاریم. آدم‌های سالم و درجه یک دچار تخلف و به هم ریختگی می‌شوند. مجلس آسیب زا است. ابزاری بسازیم که همه اثر بگذارند. من که چند سال کار می‌کنم در مجلس فکر می‌کنم این شفافیت راه‌حل است. (2) |
| تعیین‌کننده عملکرد و کیفیت نبودن رأی یک نماینده  |
| گاهی نمی‌توان علت یک رأی را تحلیل کرد. یعنی با بررسی رأی‌ها گاهی نمی‌توان تحلیل مثبت و منفی ارائه کرد. (1) |
| هر کسی به یک دلیلی رأی می‌دهد برای خودش، استدلالی دارد. اصلاً از این خروجی نمی‌توان استفاده کرد مگر برای خرید رأی‌ها. ما نمی‌توانیم تحلیل در بیاوریم. (5) |
| الآن نماینده‌ها تحت فشار هستند حرفی نمی‌زنند. اما رأی به چیز دیگری می‌دهند. می‌گوید حرفم برای بنده خدا و رأیم برای خدا بوده است. (5) |
| گفتند که رأی شفاف شود که ما بتوانیم ارزیابی عملکرد کنیم. این درست نیست. چون گاهی رأی با عملکرد هم خوانی ندارد. (10) |
| مسیر رسیدن شفافیت به کارایی منطقی نیست. (1) |
| همین حالا من نمی‌توانم در مورد رأی‌ها قضاوت کنم برای خودشان مهم است. من نمی‌توانم تحلیل کنم. (5) |
| شفافیت ابزاری برای رشد جامعه |
| آیا این پروژه واقعاً رشد جامعه را رقم می‌زند؟ این همه هزینه آیا به نتیجه مطلوب می‌رسد؟ تضمینی برای پاسخ به این سؤال‌ها وجود ندارد. این یک آسیب است که شفافیت هر چه بیشتر بهتر. (1) |
| چرا طرح‌ها و لوایح به درستی اجرا نمی‌شوند؟ چون نقطه اصلی درست نیست. وقتی مجلس شفاف نیست بقیه جاها نیز شفاف نمی‌شود (2) |
| شما نماینده را در چالش سیاست زدگی قرار می‌دهید و در این بین مردم و نفع جامعه رقم نمی‌خورد و یک عده محدود ذی‌نفع مزیت می‌برند بعد جایگاه و مزیت حکمرانی خراب می‌شود. (12) |
| اگر دنبال رشد جامعه هستیم باید شرایط مهیا باشد. (13) |
| تجربه جهانی در مورد شفافیت |
| تجربه‌های جهان خیلی افق خاصی به ما نمی‌دهد. نمی‌توانیم با بررسی آن‌ها برای خودمان افق خاصی را تعیین کنیم. ما حزب نداریم. (2) |
| دیگر این که در همه پارلمان‌ها شفاف شده است. اگر درست هم باشد حجت نیست. (1) |
| تجربه شفافیت و دوره‌های قبلی مجلس |
| ما تجربه شفافیت در مجلس یکم را داریم. نمی‌توان خوب و بد کرد. (2) |
| از نظر شهید بهشتی رحمت‌الله علیه، رأی گیری و علنی یکی است و در قانون اساسی آمده است. (2) |
| بحث فقهی شفافیت نماینده‌ها |
| اینجا بحث دینی و فقهی نیز مطرح می‌شود. موکل نمی‌تواند چیزی را از وکیل پنهان کند. (2) |